

A Review of the Prohibition of Violence against Women in the UN World Conferences regarding Women Issues: The Narration of Fears and Hopes

Mousa Karami ¹, Ali Mashhadi ², Ehsan Shakibnezhad ³

Abstract

UN world conferences on women issues since mid-1980s, both are the demonstration of the international community's seriousness toward rights and status of women and its significance for a better world and a ground for improving the status and promotion of women's human rights. The Documents of these conferences, despite their non-binding legal nature, are the manifestation of international consensus as to their subjects and at least in the general remarks. The main organizer of these conferences has been the Commission on the Status of Women. This Commission, in addition to its other activities in the framework of its mandate e.g. gender equality and progress of women, has organized the world conferences. These conferences, have provided the base and circle for the discussions of policy-makers and other beneficiaries in women issues as to current challenges, determining the objectives and designing the plans of action and examining the progress made in the implementation of the previous conferences' programs. In this article, through a descriptive-analytic method, we seek to review the prohibition of violence against women in the UN world conferences on women issues. Furthermore, due to the importance of 1993

1 Ph. D. Candidate in Public International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

Email: mousakarami136767@yahoo.com

2 Associate Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

Email: mashadiali@yahoo.com

3 MA in International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

Email: ehsan.shakib69@gmail.com

Received: 20 January 2022- Accepted: 14 March 2022



This is an open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Vienna Conference on Human Rights in this regard, we will have a look on it. It appears that despite the fact that there are many fears in the realization of wishes and programs of these conferences in preventing and combating VAW, we can and should be hopeful in progress of human being toward the recognition and enforcements of women's human rights and preservation of equal human dignity of women and men in a world free from VAW.

Key words: Violence against Women, The Commission on the Status of Women, World Conferences on Women, UN, Women's Rights.



DOI: 10.22034/LTH.2022.547263.1071

مروری بر منع خشونت علیه زنان در کنفرانس‌های جهانی ملل متحد راجع به مسائل

زنان: روایت بیم‌ها و امیدها

موسی کرمی^۱، علی مشهدی^۲، احسان شکیب‌نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

چکیده

کنفرانس‌های جهانی ملل متحد در زمینه مسائل زنان از میانه دهه هشتاد میلادی به این سو، هم نمایانگر اهتمام خاص جامعه بین‌المللی به حقوق و جایگاه زنان و اهمیت آن برای جهانی بهترند و هم بستری برای تقویت وضعیت و ارتقای حقوق بشری بانوان به‌شمار می‌روند. اسناد این کنفرانس‌ها، با وجود ماهیت غیرالزام‌آور خود از لحاظ حقوقی، تجلی‌گاه اتفاق نظر بین‌المللی در زمینه موضوعات مورد بحث خود و دست‌کم در کلیات هستند. سازمان‌دهنده اولیه این کنفرانس‌ها، کمیسیون مقام زن بوده است. این کمیسیون، افزون بر دیگر فعالیت‌های خود در چارچوب رسالت خویش یعنی برابری جنسیتی و پیشرفت زنان، به سازماندهی کنفرانس‌های جهانی زنان دست زده است. این کنفرانس‌ها، محمل و محفلی برای مباحثه سیاست‌گذاران و دیگر طرف‌های ذی‌نفع در مسائل زنان راجع به چالش‌های جاری، تعیین اهداف و طراحی برنامه‌های اقدام و بررسی پیشرفت‌های حاصل‌شده در اجرای برنامه‌های کنفرانس‌های پیشین فراهم آورده‌اند. ما در این مقاله، به شیوه توصیفی - تحلیلی درصدد آنیم تا مروری بر منع خشونت علیه زنان در کنفرانس‌های جهانی ملل متحد راجع به مسائل زنان داشته باشیم. افزون بر این، نظر به اهمیت کنفرانس حقوق بشر وین (۱۹۹۳) در این زمینه، نگاهی نیز به این کنفرانس خواهیم افکند. به نظر

۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
mousakarami136767@yahoo.com

۲ دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
mashadiali@yahoo.com

۳ کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
ehsan.shakib69@gmail.com

می‌رسد که به‌رغم بیم‌های بسیاری که در تحقق آرزوها و برنامه‌های مطرح در این کنفرانس‌ها در مسیر پیشگیری و پیکار با خشونت علیه زنان وجود دارند، می‌توان و می‌بایست به پیش‌روی نوع بشر به سوی شناسایی و اجرای حقوق بشر زنان و پاسداشت کرامت برابر انسانی زنان و مردان در جهانی عاری از خشونت علیه بانوان امیدوار بود.

کلمات کلیدی: خشونت علیه زنان، کمیسیون مقام زن، کنفرانس‌های جهانی زنان، سازمان ملل متحد، حقوق زنان.

مقدمه

جنبش عظیم صلح‌طلبی که پس از جنگ اول جهانی، دنیا را تحت‌الشعاع قرار داده بود، بر تمامی جنبه‌های روابط بین‌الملل تأثیر گذاشت (فلسفی، ۱۳۸۳: ۴۲). به‌طور خاص از پایان جنگ دوم جهانی به این‌سو، سپهر جهانی شاهد تحولی شگرف در همه زمینه‌ها و عرصه‌ها بوده است. یکی از این تحولات را می‌توان برپایی سازمان ملل متحد در نتیجه دو جنگ جهانی دهشتناک و بهت‌انگیز دانست (ذوالعین، تابستان ۱۳۸۸: ۲۹۰-۲۹۱) (Chris Akani, 2020: 91 & 94). سازمانی که از رهگذر سند مؤسس خود یعنی منشور ملل متحد، حقوق بشر را وارد حوزه حقوق بین‌الملل کرد (Joseph and Kyriakakis, 2010: 1) و آغاز جنبش بین‌المللی حقوق بشر را رقم زد. جنبشی که اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جلوه‌ها و ثمرات آن هستند و حقوق بشر و کرامت ذاتی و حقوق انکارناپذیر انسان را که نظریه‌های طبیعی پیش از پیدایش جنبش یادشده عرضه و ترویج کرده بودند، به رسمیت می‌شناسند (قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ۴۲). نزدیک به چهل سازمان غیردولتی در کنفرانس سان‌فرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ که در جریان آن سازمان ملل متحد ایجاد شد، به نمایندگی از زنان، اتحادیه‌های صنفی و کارگری، سازمان‌های قومی و گروه‌های مذهبی با نمایندگان دولت‌ها به‌ویژه کشورهای کوچک‌تر متحد شدند و در راستای به‌کارگیری زبانی صریح‌تر و دقیق‌تر از آنچه از سوی دیگر کشورها پیشنهاد شده بود، درخصوص حقوق بشر به اعمال فشار دست زدند. تلاش قاطعانه آنان، به گنجاندن مفادی درباره رعایت و اجرای حقوق بشر در منشور ملل متحد انجامید و اساس قانون‌گذاری بین‌المللی دوره پس از سال ۱۹۴۵ را به‌وجود آورد

(سازمان ملل متحد، ۱۳۸۴: ۲۵۳). البته افزون بر این تلاش‌ها، فراهم بودن زمینه‌های این رویداد و به‌ویژه اهانتی که به شأن و منزلت انسان در خلال دو جنگ خون‌بار و خانمان‌سوز اول و دوم جهانی در نتیجه دولت‌گرایی افراطی روا داشته شد را علی‌الخصوص در تسریع این فرایند نباید از یاد برد.

در منشور ملل متحد، نه تنها اقدام و اجرای حقوق بشر در شمار اهداف اصلی قرار گرفت (ماده ۱)، بلکه برای نخستین بار تمایلات و ارزش‌های حقوق بشر در چارچوب قواعد حقوقی الزام‌آور مطرح شدند. رابطه میان جنگ و نقض حقوق بشر و ابتدای صلح و امنیت بین‌المللی بر رعایت حقوق بشر، یکی از رمزهای مهم دوام سازمان ملل و نقطه تمایز آن با جامعه ملل ناکام بوده است. اعلام ایمان مجدد به حقوق اساسی بشر و حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و تساوی حقوقی میان زن و مرد، احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر، ترغیب دولت‌ها به احترام واقعی به حقوق بشر، اجازه تأسیس کمیسیون‌هایی برای ترویج حقوق بشر، تشویق دولت‌ها به رعایت حقوق بشر و برانگیختن حس همبستگی ملل جهان نسبت به یکدیگر (مقدمه و مواد ۱، ۱۳، ۵۵، ۶۸، ۶۲ و ۷۶ منشور ملل متحد) از جمله مواردی هستند که منشور ملل متحد، دولت‌های عضو را به همکاری در پیش‌برد زمینه‌های حقوق بشر متعهد می‌سازد و ارکان سازمان ملل را به تلاش در ترویج و ارتقای حقوق بشر ملزم می‌سازد (شیخی، ۱۳۸۹: ۱۴۱). افزون بر این و چه بسا مهم‌تر از منشور ملل متحد، می‌بایست از اعلامیه جهانی حقوق بشر سخن به میان آورد که برخی اندیشمندان حقوق بین‌الملل از آن به سیمرغ بلورین حقوق بین‌الملل یاد کرده‌اند (زمانی، ۱۳۹۳: ۹۶-۹۷). اگرچه این اعلامیه به‌خاطر اعلامیه بودن در اصل ماهیتی غیرالزام‌آور دارد، ولی مبنا و منبع الهام اسناد حقوقی الزام‌آور بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی فراوانی در عرصه پاسداشت حق‌های بشری و تکریم نوع بشر بوده است (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۸: ۱۹۶-۱۹۵) و پایه‌گذار نظام حقوق بشر معاصر به‌شمار می‌رود و روز تصویب آن در سرتاسر جهان، روز حقوق بشر^۱ نام‌گذاری شده است. حقوق و وضعیت زنان از آغازین سال‌های سده بیستم در دستور کار سازمان‌های بین‌دولتی (مانند جامعه ملل و

سازمان بین‌المللی کار) قرار داشته است، ولی پیدایش سازمان ملل متحد نقطه عطفی در این زمینه بود. موضوع زنان و رعایت حقوق آن‌ها در کشورهای گوناگون جهان، بخشی از وظایف حقوق بشری سازمان ملل متحد و ارکان آن به‌شمار می‌رود. با برپایی سازمان یادشده، وضعیت حقوقی زنان نسبت به پیش از آن بهبود یافته و هم‌زمان با دیگر موضوعات مطرح‌شده در سازمان ملل، مورد توجه همه دولت‌ها قرار گرفته که متعاقب آن، به پدید آمدن اسناد بین‌المللی در تضمین حقوق زنان انجامیده است.

اهمیت مقوله زنان و حقوق ایشان از چنان اهمیتی برخوردار است که با صلح و امنیت بین‌المللی گره خورده و در نتیجه پافشاری جامعه مدنی به‌منظور دفاع از حقوق زنان، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌های فراوانی را در این زمینه به‌تصویب رسانده است. چنین رهیافتی در چارچوب نظام ملل متحد، نشان از تلاش‌های پیایی سازمان ملل در قالب اعلامیه، کنفرانس‌ها، کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها و دیگر موارد در راستای حمایت از زنان و رعایت حقوق آنان دارد (طیبی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۴). در طول سال‌های گذشته، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی به‌گونه‌ای فزاینده به اهمیت نقش زنان در مبارزه برای صلح، امنیت و توسعه اذعان داشته‌اند (سیفی، ۱۳۹۹: ۳۷۴) و هم‌اکنون زنان یکی از بازیگران اصلی در صلح‌سازی محسوب می‌شوند (رستمی و فیروزکاه، ۱۳۹۹: ۲۳۸). برابری برای زنان از محورهای کار سازمان ملل متحد از هنگام پدیدایی آن در سال ۱۹۴۵ بوده است. این سازمان نقشی برجسته در مبارزه جهانی برای ترویج و حمایت از حقوق بشر زنان و تلاش برای حصول اطمینان از این امر داشته است که زنان به زندگی عمومی و فرصت‌ها در تمامی جنبه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی دسترسی برابر داشته باشند (سازمان ملل متحد، ۱۳۸۴: ۲۶۷). باید به این امر واقف بود که جوامع امروز از مؤلفه‌های حق‌مدارانه حمایتی افزون‌تر می‌نمایند تا معیارهای متضمن تکلیف. این درست خلاف آن چیزی است که پیش‌تر در جوامع بشری مطرح بود. به‌گونه‌ای که در حیطه موضوعات مرتبط با حقوق زنان نیز شاهد چنین دگردیسی در حقوق و تکالیف هستیم.

در مجموع و بی‌گمان، یکی از موانع راهزن بهره‌مندی برابر زنان از حقوق بشر و پاسداشت شأن و منزلت انسانی ایشان که صدا البته موجب مخدوش شدن امنیت اجتماعی و توسعه همه‌جانبه جوامع می‌شود، خشونت علیه زنان^۱ است. اگر برابری زن و مرد در برخورداری از حقوق بشر را یکی از آمل و اهداف ملل متحد بدانیم و همچنین در صورتی که خشونت علیه زنان را افزون بر اینکه خود یکی از نتایج نابرابری جنسیتی در جامعه است، یکی از موانع تحقق این برابری به‌شمار آوریم، سازمان ملل متحد می‌بایست در راستای نیل به آرزو و هدف یادشده مساعی خویش را به‌کار گیرد. هرچند شراره‌های جنگ جهانی دوم، نسبت به جنسیت خنثی بود و دامن زن و مرد، خردسال و بزرگسال و پیر و جوان را گرفت، ولی ناگفته پیداست که روی هم رفته، زنان از نخستین گروه‌هایی به‌شمار می‌روند که از فروپاشی زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی در نتیجه جنگ و نظامی‌گری دولت‌ها زیان می‌بینند (صبوری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۷). جنگ جهانی دوم نیز از این قاعده مستثنا نبود و در آن زنان در شمار اصلی‌ترین قربانیان جغد شوم جنگ بودند و به‌ویژه خشونت علیه زنان در خلال آن راه، آغاز توجه خاص به این پدیده در جهان نوین می‌دانند (Farhat, 2016: 69). به‌همین سبب، جای شگفتی نیست که مسائل مربوط به زنان، از همان آغاز شکل‌گیری سازمان ملل متحد، یکی از دغدغه‌های آن بوده است. در میانه‌های دهه ۱۹۴۰ میلادی، هنگام پاگیری سامانه حقوق بشری ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان، به تأسیس کمیسیون مقام زن^۲ به‌عنوان نهادی اختصاصی در رابطه با مسائل زنان دست یافت. این کمیسیون، از زمان تشکیل در سال ۱۹۴۶، فعالیت‌های خود را پیرامون تعریف حقوق زنان تا کاوش در علل و اسباب مانع بهره‌مندی و اعمال این حقوق به‌دست بانوان سامان داده است. کمیسیون مقام زن به بررسی پیشرفت زنان در دستیابی به برابری در سراسر جهان، آماده‌سازی توصیه‌نامه‌هایی در راستای ارتقای

-
1. Violence Against Women (VAW)
 2. Commission on the Status of Women (CSW)

حقوق زنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی و تهیه پیش‌نویس معاهداتی که هدف آن‌ها بهبود وضعیت قانونی و عملی زنان است دست می‌زند (Qouted in: Sandis, 2006: 371).

دهه ۷۰ میلادی را می‌توان نقطه عطف توجه بیشتر به حقوق و مسائل زنان در چارچوب ساختار ملل متحد دانست. در همین برهه است که در سطح جهان، خشونت علیه زنان به‌عنوان یک مسئله حقوقی و اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد (Williams and Walklate, 2020: 4551) و همین رویه موجب تحولات بعدی در این عرصه می‌شود. از اسناد واجد اهمیت در این دوره، می‌توان به /علامیه رفع تبعیض از زنان^۱ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در ۷ نوامبر ۱۹۶۷ اشاره داشت که در ماده ۱ خود تبعیض علیه زنان را جرمی ضدکرامت انسانی دانسته است. همچنین، مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۷۹ کنوانسیون امحاء تمامی اشکال تبعیض علیه زنان را از تصویب گذارند تا مقوله حمایت از زنان در مقابل تبعیض‌های رایج را وجهی حقوقی‌تر بخشد. در این دوران، کنفرانس‌های جهانی ملل متحد در زمینه مسائل زنان از میانه دهه هشتاد میلادی به این سو، هم نمایانگر اهتمام خاص جامعه بین‌المللی به حقوق و جایگاه زنان و اهمیت آن برای جهانی بهترند و هم بستری برای تقویت وضعیت و ارتقای حقوق بشری بانوان به‌شمار می‌روند. اسناد این کنفرانس‌ها، با وجود ماهیت غیرالزام‌آور خود از لحاظ فن حقوقی، تجلی‌گاه اتفاق نظر بین‌المللی در زمینه موضوعات مورد بحث خود و دست‌کم در کلیات آن‌ها، هستند. سازمان‌دهنده اولیه این کنفرانس‌ها، کمیسیون مقام زن بوده است. این کمیسیون، افزون بر دیگر فعالیت‌های خود در چارچوب رسالت خویش، یعنی برابری جنسیتی و پیشرفت زنان، به سازماندهی کنفرانس‌های جهانی زنان دست زده است که تاکنون چهار کنفرانس جهانی به‌ترتیب در سال‌های ۱۹۷۵ (مکزیکوسیتی)، ۱۹۸۰ (کینهاک)، ۱۹۸۵ (نایروبی) و ۱۹۹۵ (پکن) برآیند آن بوده‌اند. این کنفرانس‌ها، محمل و محفلی برای مباحثه سیاست‌گذاران و دیگر طرف‌های ذی‌نفع در مسائل زنان راجع به چالش‌های

1. Declaration on the Elimination of Discrimination Against Women (7 November 1967); available at: <https://www.refworld.org/docid/3b00f05938.html>

جاری، تعیین اهداف و طراحی برنامه‌های اقدام و بررسی پیشرفت‌های حاصل‌شده در اجرای کنفرانس‌های پیشین فراهم آورده‌اند. بررسی و تبیین دیدگاه درخصوص کیفیت و نحوه مقابله با مقوله خشونت علیه زنان در ساختار ملل متحد، در گرو شناخت تغییرات رویکرد پیش‌روانه کشورها و جامعه جهانی در این باره است. این تدقیق ولو مختصر در سیر تاریخی اقدامات انجام‌گرفته در مقابله با خشونت علیه زنان، به شناخت ما نسبت به جایگاه کنونی موضع دولت‌ها نسبت به جایگاه زن و لزوم پاسداشت حرمت آن در برابر هرگونه اجحاف احتمالی و نیز ارائه راه‌هایی به‌منظور ارتقای اقدامات حمایتی در این خصوص یاری می‌رساند. این مهم ما را بر آن داشت تا در این نوشتار، مروری بر سیر حمایت از زنان در برابر خشونت در کنفرانس‌های جهانی زنان داشته باشیم. بر این زمینه، در زیر به کوتاهی، مهم‌ترین دستاوردهای این کنفرانس‌ها و نیز کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ در زمینه حقوق زنان و به‌طور خاص بحث خشونت علیه زنان را از نظر می‌گذرانیم. برای انجام این مطالعه، از شیوه توصیفی-تحلیلی بهره برده‌ایم و با روش گردآوری کتابخانه‌ای منابع، به پیش‌برد مباحث دست یافته‌ایم.

۱- کنفرانس مکزیکوسیتی (۱۹۷۵): زنان به‌مثابه بازیگران فعال صلح و توسعه

سال ۱۹۷۵ در قاموس حقوق زنان، یک نقطه عطف به‌شمار می‌رود. در برنامه اقدام کنفرانس مکزیکوسیتی در سال ۱۹۷۵ که نخستین کنفرانس جهانی درخصوص زنان بود، به اختلافات خانوادگی و لزوم تضمین کرامت، برابری و امنیت برای همه اعضای خانواده توجه شد. بایسته یادکرد است در این کنفرانس، سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۷۶ به‌عنوان دهه *زنان ملل متحد*^۱ نام‌گذاری شد. همچنین سازمان ملل متحد سال ۱۹۷۵ را *سال بین‌المللی زنان*^۲ نام گذاشت. در کنفرانس یادشده، به ارزیابی و بازتاب فعالیت سازمان ملل متحد از زمان پاگیری تا آن زمان درخصوص ارتقای حقوق زنان پرداخته شد. نتایج این ارزیابی رضایت‌بخش نبود، به‌شکلی که خود سازمان به ناچار ناکامی فعالیت عمده‌تاً حقوقی خود در نیل به

-
1. United Nations Decade for Women
 2. International Women's Year

بهبود وضعیت زنان جهان را تصدیق کرد. در این کنفرانس بود که برای نخستین بار در مقیاسی جهانی، گفت‌وگویی راجعه به برابری زنان و مردان برقرار شد. تا این زمان، دولت‌های عضو ملل متحد به‌منظور بحث درخصوص اهداف مورد توافق در زمینه برابری جنسیتی، شناسایی موانع و طراحی راهبردهای خاص به‌منظور نیل به چنین اهدافی گرد هم نیامده بودند. از این زمان بود که در سطح ملل متحد، زنان از قربانیان منفعل توسعه‌نیافتگی و مخاصمات، به بازیگران فعال فرایندهای توسعه و صلح مبدل شدند و اهداف برابری، توسعه و صلح از سوی سازمان ملل به‌عنوان شعار دهه زنان ملل متحد تعیین شد. افزون بر این، در نتیجه کنفرانس مکزیکوسیتی، ملل متحد به تأسیس دو نهاد دست زد: *انديشكده بين‌المللی پژوهش و آموزش برای پیشرفت زنان*^۱ که هدف آن تشویق پیشرفت زنان و ایفای سهم از سوی ایشان در توسعه از رهگذر پژوهش، آموزش و انتشار اطلاعات بود و *صندوق توسعه برای زنان ملل متحد*^۲ که به تأمین مالی و همیاری فنی در برنامه‌های معطوف به ارتقای حقوق بشر زنان و برابری جنسیتی دست می‌زند. اقدامات انجام‌گرفته به‌دست این نهادها اهمیت شگرفی در بهبود وضعیت زنان در جهان داشته‌اند (Gimenez Armentia et al., 2018: 83-84). اگرچه با وجود اهمیت کنفرانس مکزیکوسیتی در تاریخ مبارزه برای حقوق زنان در ساحت جهانی، در برنامه اقدام آن اشاره مستقیمی به مقوله خشونت علیه زنان نشد.

۲- کنفرانس کپنهاک (۱۹۸۰): خشونت خانگی به‌مثابه جرمی غیرقابل تحمل علیه کرامت ابنای بشر

دومین کنفرانس جهانی زنان، ۵ سال بعد یعنی سال ۱۹۸۰ در کپنهاک دانمارک و به‌منظور سنجش دستاوردهای برنامه اقدام کنفرانس مکزیکوسیتی برگزار شد. طبق این سنجش، با وجود پیشرفت‌هایی که

-
1. International Research and Training Institute for the Advancement of Women (INSTRAW)
 2. United Nations Development Fund for Women (UNIFEM)

در نیل به برخی اهداف این برنامه صورت گرفته بود، در بحث برابری حقوقی میان زن و مرد به خاطر موانعی همچون اراده سیاسی ناکافی، عدم تصدیق و باور به ارزش سهم و نقش زنان در جامعه، حضور کم‌رنگ بانوان در جایگاه تصمیم‌سازی، خدمات نابسند به‌منظور توانمندسازی زنان برای ایفای تکالیف خود در زندگی ملی، کمبود تسهیلات اعتباری، کمبود منابع مالی، مشارکت محدود مردان در بهبود نقش زنان در جامعه و عدم آگاهی زنان درخصوص فرصت‌های موجود، انتظارات برآورده نشد. در این کنفرانس قرار شد به‌منظور نیل به اهداف برنامه اقدام کپنهاک، دولت‌های حاضر و نیز آژانس‌های ملل متحد در پنج‌سال پیش‌رو تلاش‌های خود را بر سه حوزه دسترسی برابر به آموزش، فرصت‌های برابر استخدام و مراقبت‌های بهداشتی متمرکز کنند. مقاومت نمایندگان رسمی برخی دولت‌ها در برابر مضمون پاره‌ای توصیه‌های مقرر در این کنفرانس، که بیشتر بر سر ناسازگاری آن‌ها با قوانین داخلی و اصول فرهنگی ریشه‌دار در جوامع ایشان بود، مانع از وقوع اجماع در کنفرانس شد. تنش‌های سیاسی موجود در کنفرانس مکزیکوسیتی در این کنفرانس بیشتر شد و به‌شکلی بود که سند نهایی آن بدون اجماع کلیه دولت‌های شرکت‌کننده به‌تصویب رسید (Gimenez Armentia et al., 2018: 85).

نگرانی‌های ویژه درخصوص بحث خشونت، در تدوین قطعنامه موسوم به «زنان کتک‌خورده و خشونت در خانواده»^۱ از سوی کنفرانس جهانی دهه زنان ملل متحد: برابری، توسعه و صلح^۲ یا همان کنفرانس کپنهاک در ۱۴ الی ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۰ نمود یافت. در گزارش پایانی این کنفرانس بود که به خشونت علیه زنان در خانه اشاره شد. در قطعنامه یادشده، برای نخستین‌بار به‌صراحت خشونت خانگی در نشستی رسمی در سطح ملل متحد موردتوجه قرار گرفت. این قطعنامه، از خشونت در خانه به‌سان «جرمی غیرقابل تحمل علیه کرامت انبای بشر و نیز معضلی فاحش برای سلامت جسمانی و ذهنی خانواده و همچنین جامعه» یاد کرد و ابراز داشت که «نگرش‌های دیرینه نافی ارزش زن به مصونیت مرتکبان

1. Battered women and violence in the family

2. World Conference of the United Nations Decade for Women: Equality, Development and Peace (1980)

اعمال خشونت‌آمیز ضد اعضای خانواده در برابر پیگرد قانونی انجامیده است». افزون بر این، این سند توصیه می‌کند که دولت‌های عضو ایجاد دادگاه‌های خانواده و اتخاذ دیگر اقدامات به‌منظور حمایت از قربانیان را مطمح‌نظر قرار دهند و بررسی نمایند (UN, 1980: 67). به‌علاوه، در بخش اقدامات تقنینی گزارش پایانی این کنفرانس، آمده است که «در راستای پیشگیری از خشونت خانگی و جنسی علیه زنان، باید به تصویب و اجرای قانون مبادرت جست. همه اقدامات مقتضی از جمله اقدامات تقنینی می‌بایست به‌منظور فراهم ساختن امکان رفتار منصفانه با قربانیان در کلیه آئین‌های کیفری اتخاذ شوند» (UN, 1980: 20). با این حال، آثار این قطعنامه از نظر تبدیل مسئله خشونت خانگی از موضوعی خصوصی به مقوله‌ای شایسته توجه دائمی و واجد اولویت در سپهر بین‌المللی، حداقلی بود (Qureshi 2013: 188).

۳- کنفرانس نایروبی (۱۹۸۵): زایش فمینیسم در مقیاسی جهانی

سومین کنفرانس جهانی زنان، از ۱۵ تا ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۵ در نایروبی کنیا برگزار شد. این کنفرانس آن‌چنان در زمینه حقوق زنان اهمیت دارد که از آن به «زایش فمینیسم در مقیاسی جهانی» (Gimenez Armentia et al., 2018: 86) تعبیر شده است. در این کنفرانس، زنانی که مورد سوءاستفاده قرار دارند و از جمله قربانیان خشونت خانگی، مورد توجه ویژه قرار گرفتند (UN, 1985). سند نهایی کنفرانس نایروبی، با بیانی محکم‌تر از لسان کنفرانس کپنهاک ابراز داشت که «افزون بر یاری‌رسانی بی‌درنگ به قربانیان خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه، دولت‌ها باید به آگاهی‌افزایی عمومی در خصوص خشونت علیه زنان به‌سان مسئله‌ای جامعه‌ای (اجتماعی)، سیاست‌گذاری و اقدامات تقنینی به‌منظور تعیین دلایل آن و پیشگیری و حذف چنین خشونت‌هایی به‌ویژه با سرکوب تصورات و بازنمایی‌های تحقیرآمیز زنان در جامعه و سرانجام تشویق به توسعه اقدامات آموزشی و بازپروری برای مرتکبان این نوع از خشونت دست یابند (UN, 1985: 288).

افزون بر این، مطابق راهبردهای آینده‌نگرانه برای پیشرفت زنان^۱ در کنفرانس ۱۹۸۵ نایروبی، به دولت‌ها توصیه شد گام‌های عملی و لازم را در مقابله با خشونت علیه زنان بردارند و از این‌رو از این منظر تحکیم و حفظ صلح با امحای خشونت علیه زنان در حوزه‌های عمومی و خصوصی مورد پیوند قرار گرفت (Qureshi, 2013: 188). راهبردهای یادشده دولت‌ها را ملزم به نیل به اهداف دهه زنان تا سال ۲۰۰۰ نمود. در این راهبردها، موانع دستیابی زنان به برابری، توسعه و صلح، اقدامات لازم برای پیگیری موانع و راهبردهای خاص برای اجرای این اقدامات که می‌بایست در سطوح بین‌المللی و ملی پیگیری شوند، مشخص شدند. تعهدات مندرج در راهبردهای آینده‌نگرانه کنفرانس نایروبی راجع به پیشرفت زنان شامل لزوم مشارکت دادن زنان در همه سطوح و مراحل برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی برای اقدام در کلیه عرصه‌های تأثیرگذار بر زنان در بیانی موسع و اتخاذ اقدامات مقتضی برای توجه به برخی نگرانی‌ها و حوزه‌های خاص مانند بهداشت، مشارکت سیاسی، آموزش، دستمزد، صلح، محیط زیست و خشونت علیه زنان بودند (Roberts, 1996: 238). مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ضمن تأیید راهبردهای آینده‌نگرانه کنفرانس نایروبی، تصریح می‌کند که اجرای این راهبردها باید به حذف کلیه اشکال نابرابری میان زنان و مردان و حضور تام و تمام زنان در فرایند توسعه بینجامد و مشارکت گسترده زنان در کوشش برای تحکیم صلح و امنیت در جهان را تضمین کند (UNGA, 1985: paras. 2-3).

پیش‌تر نیز اشاره رفت که نابرابری جنسیتی هم علت و هم معلول خشونت علیه زنان است. کنفرانس جهانی نایروبی، برابری را هم هدف و هم ابزار دانسته و اعلام داشته است که برابری برای زنان به‌طور خاص به‌معنای تحقق حقوقی است که ایشان در نتیجه تبعیض مبتنی بر رویه‌های عرفی و فرهنگی به آن‌ها دست نیافته‌اند (UN, 1985: para. 12). بر این پایه، در این کنفرانس از دولت‌ها خواسته شد که کلیه اقدامات لازم برای تضمین بهره‌مندی زنان از حقوق، فرصت‌ها و مسئولیت‌های برابر را اتخاذ کنند (UN 1985: para. 52). افزون بر این، دولت‌ها به تضمین تامه حقوق زنان برای ترویج برابری با مردان فراخوانده شدند

(UN, 1985: para. 54) و بایستگی تصویب کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در کنار برابری در مشارکت اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است (UN, 1985: para. 60). از جمله دستاوردهای قابل ذکر این کنفرانس، پوشش موضوعی گسترده‌تر آن نسبت به کنفرانس‌های پیش از خود در مورد زنان است؛ دیگر اینکه در کنفرانس مکزیکوسیتی تأکید کشورهای گوناگون بر برابری، توسعه و صلح یکسان نبود، ولی یکسان شدن این تأکیدها بر برابری، توسعه و صلح از سوی کشورها از دستاوردهای کنفرانس نایروبی به‌شمار می‌رود (به نقل از: سمیه رواسیان کاشی، ۱۳۸۸: ۳۹).

زین پس، اجلاس‌ها و نشست‌های متعددی در راستای هم‌افزایی فکری به‌منظور اتخاذ اقدامات بایسته و شایسته در زمینه حقوق زنان میان کشورها برگزار شد. این مساعی منجر به این شد که کمیته محو تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۸۹ دولت‌ها را نسبت به ارائه گزارش موارد خشونت علیه زنان و تصویب قوانین داخلی به‌منظور ریشه‌کنی این مشکل خانمان‌سوز توصیه کند. با وجود تلاش‌های صورت‌پذیرفته، کماکان نقص موجود در کنوانسیون امحاء تمامی اشکال تبعیض علیه زنان به‌قوت خود باقی بود. فقدان تعریفی دقیق، جامع و مانع از خشونت علیه زنان، همواره زمینه‌ساز ایجاد اختلاف در دیدگاه میان دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و کارشناسان بود؛ به‌گونه‌ای که مسیر را برای هرگونه اجماع و اتفاق نظر در عرصه جهانی مسدود می‌ساخت. چنان‌که اجلاس گروه کارشناسی خشونت علیه زنان که در سال ۱۹۹۱ برگزار شد، به این خلاً در قوانین و لزوم ارائه تعریفی واضح از خشونت جنسیتی تأکید ورزید. در نهایت گروه مزبور اقدام به تدوین طرح اعلامیه حذف خشونت علیه زنان نمود که محتوای آن در اجلاس سی‌وششم کمیسیون مقام زن و با هدف تصویب در مجمع عمومی سازمان ملل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۴- کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳): خشونت علیه زنان به مثابه نقض حقوق بشر

دیگر رویداد مهم و شایسته یادکرد در زمینه حقوق زنان و خشونت علیه بانوان در سطح جهانی، برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر^۱ در وین اتریش در خلال روزهای ۱۴ تا ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ است که برای نخستین بار از پایان جنگ سرد تشکیل یافت. مهم‌ترین نتیجه کنفرانس، تنظیم سند موسوم به اعلامیه و برنامه اقدام وین^۲ بود. نقش و تأثیر پویس‌های حمایت از حقوق زنان در و بر کنفرانس وین از همان مقدمه اعلامیه و برنامه اقدام آنکه بر نگرانی عمیق شرکت‌کنندگان در کنفرانس راجع به «اشکال گوناگون تبعیض و خشونت که زنان کماکان در سرتاسر جهان در معرض آن‌ها قرار دارند» آشکار است. اتخاذ این سند به‌دست ۱۷۱ دولت شرکت‌کننده در کنفرانس جهانی وین، رویدادی تاریخی در جنبش حقوق زنان به‌شمار می‌رود. برای نخستین بار در سطحی جهانی پذیرفته شد که حقوق زنان برابر با حقوق بشر تلقی شده و همین امر راه را برای نفوذ فزاینده حقوق زنان و دیدگاه جنسیتی به عرصه هنجارها و رویه‌های حقوق بشری هموار ساخت (Priddy, 2014: 3). اعلامیه و برنامه اقدام وین تصریح می‌کند که حقوق زنان و دخترچگان بخش سلب‌ناشدنی و جدایی‌ناپذیر حقوق جهانی بشر است و مشارکت تام و برابر زنان در زندگی سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حذف کلیه اشکال تبعیض بر پایه جنسیت باید از اولویت‌های جامعه بین‌المللی باشد (UNGA, 1993: Part. I, para. 18).

خشونت علیه زنان در اعلامیه و برنامه اقدام وین مورد توجه خاص قرار گرفت و سند یادشده با صراحتی افزون، تدوین راه‌کارها و اصول پیرامون حذف خشونت علیه زنان را مورد عنایت ویژه قرار داد. طبق بند ۱۸ از بخش نخست این سند، خشونت مبتنی بر جنسیت و کلیه اشکال آزار و بهره‌برداری جنسی شامل موارد ناشی از تعصبات و پیش‌داوری‌های فرهنگی و قاچاق بین‌المللی، با منزلت و ارجمندی نوع بشر سازگار بوده و باید از میان برداشته شوند. این سند که با اتفاق آراء به‌وسیله کنفرانس جهانی حقوق بشر تدوین شد، از مجمع عمومی سازمان ملل خواست تا طرح اعلامیه حذف خشونت علیه زنان را تصویب

1. World Conference on Human Rights

2. Vienna Declaration and Programme of Action (VDPA) (12 July 1993)

کرده و کشورها، سیاست‌ها و قوانین خود را در راستای مقابله با خشونت علیه زنان، با مقررات آن هماهنگ سازند (UNGA, 1993: Part. II, para. 38). بخش الف (A) اعلامیه و برنامه اقدام وین به حقوق بشر زنان می‌پردازد. از موارد قابل ذکر این بخش، اهمیت «اقدام در راستای حذف خشونت علیه زنان در زندگی عمومی و خصوصی» و «محو کلیه اشکال آزار، بهره‌برداری و قاچاق جنسی زنان، حذف سوگیری جنسیتی در اجرای عدالت و زدودن هرگونه تعارض میان حقوق زنان و آثار آسیب‌زای آئین‌های سنتی یا عرفی، پیش‌داوری‌های فرهنگی و افراطی‌گری مذهبی» است. ذیل همین بخش و نیز درخصوص مخاصمات مسلحانه، تصریح شده که «قتل، تجاوز به عنف نظام‌مند، برده‌گیری جنسی و باردارسازی اجباری» نقض حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه بوده و مستلزم پاسخی به جد مؤثر است (UNGA, 1993: Part. II, para. 38).

چنان‌که ملاحظه می‌شود بحث خشونت علیه زنان به‌عنوان عمده محورها و اهداف کنفرانس جهانی حقوق بشر وین و در نهایت اعلامیه و برنامه اقدام وین به‌شمار می‌رفت. این امر از آن نظر واجد اهمیت می‌نماید که شناسایی خشونت جنسیتی به‌عنوان نقض حقوق بشر حکایت از یک تغییر مفهومی مهم دارد و به این معناست که زنان به‌طور تصادفی و به‌خاطر آسیب‌پذیری مادرزادی خود در معرض خشونت قرار نمی‌گیرند، بلکه این خشونت نتیجه تبعیض ساختاری و ریشه‌دار است که دولت به‌سان متعهد علیه‌گفتمان و نظام بین‌المللی حقوق بشر، می‌بایست با آن مبارزه کند. بر این پایه، پیشگیری و پیکار با خشونت مبتنی بر جنسیت دیگر یک اقدام خیرخواهانه و اختیاری نبود و بلکه تعهد و التزامی حقوقی و اخلاقی و مستلزم اقدامات و اصلاحات تقنینی، اداری و نهادی و زدودن کلیشه‌های جنسیتی است که خشونت علیه زنان را تداوم می‌بخشند و زیربنای نابرابری ساختاری زنان و مردان هستند.

۵- کنفرانس پکن (۱۹۹۵): گامی مهم در ایجاد چارچوبی جامع در سیاست‌گذاری بین‌المللی راجع به حقوق بشر زنان

در سال ۱۹۹۲ کمیسیون مقام زن در قطعنامه شماره ۸/۶۳ پیشنهاد دولت چین را برای برگزاری کنفرانس در پکن قبول کرد و ضمن ایجاد مقدمات لازم در یک دوره سه‌ساله، سرانجام چهارمین کنفرانس جهانی زنان از ۴ تا ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۵ (۱۳ - ۲۴ شهریور ۱۳۷۴) در پکن، پایتخت چین، برگزار شد. در این کنفرانس گسترده که در پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد برگزار شد، بیش از ۱۷۰۰۰ شرکت‌کننده، شامل نمایندگان ۱۸۹ کشور جهان (با احتساب دولت فلسطین) حضور داشتند و ظاهراً تنها دولت عربستان سعودی در آن حاضر نبود. از جمهوری اسلامی ایران نیز، هیئت دولتی بالغ بر ۴۰ نفر از سازمان‌های غیردولتی شرکت داشتند (مهری‌پور، ۱۳۸۶: ۲۸۸). افزون بر این، ۱۰۲۶ سازمان غیردولتی که از شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل، اعتبارنامه یا کد مخصوص داشتند نیز در کنفرانس حاضر بودند. پیش از برگزاری کنفرانس، پنج اجلاس منطقه‌ای به‌دست کمیسیون مقام زن در کشورهای اندونزی، آرژانتین، اتریش، اردن و سنگال برگزار شد تا محورهای اصلی مورد بحث در کنفرانس را تعیین کرده و عرضه کنند. محورهای بیان‌شده از طرف این اجلاس منطقه‌ای نشست گرفته از نیازها و فرهنگ‌های خاص هر منطقه بود و به این طریق، طیف وسیعی از مسائل مورد بحث به دبیرخانه کنفرانس عرضه شد. این کنفرانس با پیش‌زمینه‌ای از توجه فزاینده به برابری زنان و پس از کنفرانس‌های حقوق بشر وین (۱۹۹۳)، کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه قاهره (۵ الی ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۴) و اجلاس جهانی توسعه اجتماعی در کپنهاک (۶ تا ۱۲ مارس ۱۹۹۵) برگزار شد و هدف آن ارزیابی اجرای راهبردهای آینده‌نگرانه کنفرانس نایروبی و اتخاذ اقداماتی در راستای تسریع در پیشرفت در این زمینه بود (Roberts, Spring 1996: 239).

گزارش این کنفرانس متشکل از اعلامیه پکن^۱ و بستر اقدام پکن^۲ خشونت علیه زنان را حوزه‌ای موجد نگرانی مبرم می‌داند و آن را در بخش حقوق بشر خود می‌گنجانند (UN, 1995). تصویب اعلامیه و بستر اقدام پکن، گامی مهم در توسعه یک چارچوب جامع در سیاست‌گذاری بین‌المللی راجع به حقوق بشر زنان بود (UN Special Rapporteur on Violence Against Women; Its Causes and Consequences and Office of the High Commissioner for Human Rights, 2020: 1).

بستر اقدام پکن به طور خاص مسئله خطیر خشونت خانگی علیه زنان و دختران را مورد توجه قرار می‌دهد و بیان می‌دارد که «در بسیاری موارد، خشونت علیه زنان و دختران در خانواده یا درون خانه رخ می‌دهد که در آن‌ها خشونت اغلب تحمل می‌شود. نادیده‌انگاری، سوءاستفاده جسمی و جنسی و تجاوز به عنف به دختر بچه‌ها و زنان به دست اعضای خانواده و دیگر اعضای خانه و نیز موارد سوءاستفاده زناشویی و غیرزناشویی، در بیشتر مواقع گزارش نمی‌شوند و از این رو، کشف آن‌ها دشوار است. حتی زمانی که چنین خشونتی گزارش می‌شود، اغلب در حمایت از قربانیان یا مجازات مرتکبان قصور ورزیده می‌شود» (UN, 1995: para. 117). این سند همچنین به مسائل واجد اهمیتی همچون الگوهای فرهنگی و فشارهای اجتماعی، عدم دسترسی به اطلاعات حقوقی، فقدان قوانین لازم جهت منع مؤثر خشونت علیه زنان و کوشش‌های آموزشی و تربیتی نابسند برای رویارویی با علل و پیامدهای خشونت علیه زنان که همگی در شیوع پیوسته خشونت علیه زنان نقش دارند، می‌پردازد و دولت‌ها، گروه‌های غیردولتی و دیگر نهادها را به اتخاذ اقدام در راستای رویارویی و پیکار با خشونت علیه زنان و بررسی پیشرفت‌های رخ نموده در حوزه‌های یادشده ملزم می‌سازد (UN, 1995: paras. 124-130).

افزون بر این، قرار بر این شده که هر ۵ سال یک‌بار کنفرانسی به منظور بازبینی دستاوردها و موانع پیش‌روی اهداف مقرر در کنفرانس ۱۹۹۵ پکن برگزار شود. برای نمونه، در اولین کنفرانس در سال ۲۰۰۰، به دستاوردهای اهداف مربوط به منع خشونت علیه زنان و به طور خاص «افزایش آگاهی و التزام

1. Beijing Declaration
2. Beijing Platform for Action

به پیشگیری و پیکار با خشونت علیه زنان و دختران و از جمله خشونت خانگی که بهره‌مندی از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را نقض، مخدوش یا منتفی می‌سازد» اشاره شده است. این گزارش همچنین به موانع موجود مانند نبود برنامه‌های جامع به‌منظور رویارویی با مرتکبان خشونت علیه زنان و نگرش‌های تبعیض‌آمیز اجتماعی-فرهنگی که کماکان پابرجا هستند، می‌پردازد. به‌علاوه، در این گزارش راجع به «خشونت خانگی و از جمله خشونت جنسی در ازدواج که همچنان در برخی کشورها مسئله‌ای خصوصی به‌شمار می‌رود» ابراز نگرانی شده و به «نابسندگی آگاهی از پیامدهای خشونت خانگی، چگونگی پیشگیری از آن و حقوق قربانیان خشونت مبتنی بر جنسیت» اشاره شده است. گزارش یادشده توصیه‌هایی نیز جهت رویارویی با این موانع و از جمله تقویت جبران خسارت قربانیان خشونت علیه زنان از رهگذر نظام عدالت کیفری ارائه می‌کند (UNGA, 2000: paras. 13-21).

همچنین در پنجمین کنفرانس از این دست که به مناسبت بیست‌وپنجمین سال برپایی کنفرانس ۱۹۹۵ پکن در ۱۹ ژوئن سال ۲۰۲۰ به‌خاطر شیوع ویروس کووید ۱۹ به‌صورت برخط برگزار شد، مسائل مرتبط با زنان و از جمله تأثیر بیماری کرونا بر حقوق زنان و دختران به بررسی درآمد. شوربختانه، پژوهش‌ها و مشاهدات میدانی از افزایش چشم‌گیر میزان خشونت علیه زنان در دوران همه‌گیری ویروس کرونا حکایت دارند. این نتایج را می‌توان در کنار یافته‌های به‌دست آمده مورد استناد سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۳ قرار داد که نشانگر آن است که به‌طور معمول و پیش از دوران کرونا، تقریباً ۳۰ درصد از زنان در معرض ایراد خشونت از سوی شریک زندگی خود بوده‌اند و حتی طبق گزارش‌ها، حدود ۳۸ درصد از موارد قتل زنان، توسط همسران آنان ارتکاب یافته است (که این میزان درخصوص موارد قتل مردان توسط همسران‌شان حدود ۶ درصد است) (Moreno C. et al., 2013: 2 & 29). این مهم خطر آسیب‌پذیری بیش از پیش زنان در دوران همه‌گیری کرونا را به‌دنبال دارد، به‌گونه‌ای که اثرات نامطلوب کرونا بر وضعیت روحی و روانی افراد و قرنطینه درازمدت در منزل سبب افزایش خشونت خانگی شده است. به‌دیگر سخن، حضور بیشتر همسران کنار یکدیگر در منزل، اختلافات پیشین و سنتی زوجین را

تشدید کرده، مشکلات حل نشده قبلی را پُررنگ‌تر ساخته و حساسیت‌ها نسبت به نواقص و کمبودها را در روابط زناشویی افزایش داده است. از این رو، در موارد عدم آگاهی و فقدان مهارت کافی نسبت به حل دعاوی زناشویی و کنترل خشم، خشونت خانگی علیه زنان تشدید یافته که این امر در خانواده‌های درگیر با طلاق عاطفی شدت بیشتری دارد. به علاوه، شیوع کرونا این تصور خام و نادرست را ترویج کرده که مصرف مواد مخدر سبب کاهش اضطراب‌های ناشی از همه‌گیری کرونا شده و در نهایت افزایش میزان خشونت خانگی را به همراه داشته است. تحقیقات به عمل آمده در ایالات متحده حاکی از افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی خشونت خانگی در دوران کروناست. همچنین، طبق گزارش‌ها، میزان خشونت خانگی در چین به سه برابر موارد پیشین رسیده است و برآوردها دلالت بر این داشته که این میزان خشونت در برزیل ۴۰ تا ۵۰ درصد، در فرانسه ۳۰ درصد و در اسپانیا ۱۸ درصد رشد را تجربه کرده است (Guerra et al., 2020: 54-69; Sharifi et al., 2020: 2367-2379).

۶- مسیر پیش‌رو: روایت بیم‌ها و امیدها

با پایان جنگ جهانی دوم که فرد به‌عنوان موضوع حقوق بین‌الملل شناخته شد و به‌ویژه در دهه‌های اخیر، تقاضای توجه به حقوق انسانی زنان موجب شده است که موضوعات مرتبط با حقوق بشر به شکل جامع‌تر و به‌نحو وسیع‌تری بحث و بررسی شوند و اعتراض به مفاهیم محدود و تنگ‌نظرانه از حقوق انسانی (که زندگی زنان در آن فرع بر مسائل مربوط به حقوق بشر انگاشته می‌شود)، آغاز شده است. اما اینکه آیا در عمل نیز این روش‌ها کارساز بوده و به بهبود عملی وضعیت زنان دنیا منجر شده است، نمی‌توان با قاطعیت اظهارنظر کرد؛ چراکه گزارش‌ها و مستندات منتشرشده از سوی نهادهای مختلف خود سازمان ملل در زمینه وضعیت زنان جهان گویای این واقعیت تلخ است که داستان طولانی، تکراری، غم‌انگیز، ملال‌آور و دنباله‌دار نقض حقوق بشر زنان کماکان ادامه دارد. امروزه تبعیض و خشونت واژه آشنا و مشترکی برای تمامی زنان دنیاست و با همه تحولات و پیشرفت‌هایی که (دست‌کم در حرف و

روی کاغذ) نصیب زنان شده است، باز هم انواع و اشکال متعدد ظلم، تبعیض و خشونت علیه زنان اعمال می‌شود و مشکلات زنان با شدت و ضعف ادامه دارد و هنوز نمی‌توان با قاطعیت اعلام کرد که زنان مشمول حکم کلی مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر گرفته‌اند که انسان را به‌عنوان انسان دارای حق می‌شناسد و همه را برخوردار از حقوق مساوی می‌داند. به هر حال، واقعیات عینی و ملموس حکایت از آن دارد که اقدامات انجام‌گرفته هنوز به نتیجه مطلوب نرسیده است و سازمان ملل هرچند در تبیین و تشریح و مطرح کردن موضوعات مبتلابه زنان جهان و نیز برانگیختن احساسات جامعه بین‌المللی و جلب توجهات و فراهم کردن موجبات نگرانی و دغدغه خاطر آن جامعه در رابطه با نقض، تضییع یا سلب حقوق بشری زنان و ارائه راهکارهای حداقل نظری، گام‌های اساسی برداشته است و درجا انداختن این دیدگاه که «توانمندسازی زنان، توانمندسازی کل بشریت است» و «پیشرفت زنان پیش‌شرط توسعه است، نقش به‌سزایی داشته، ولی تا رسیدن به وضعیت مطلوب اتخاذ اقدامات علمی‌تر و مؤثرتری موردنیاز است و تمامی اقدامات و ابتکارات انجام‌شده با اینکه شرط لازم برای بهبود وضعیت زنان دنیاست، ولی به هیچ‌روی کافی به‌نظر نمی‌رسد و موفقیت سازمان ملل تا حدود زیادی در گرو برخورد ریشه‌ای و قاطع با موانع و چالش‌های موجود - از سنتی گرفته تا مدرن- و نه تنها در نظریه‌ها، بلکه در عمل برای رونق بخشیدن به موضوع حقوق بشر است و ارتقای مقام و جایگاه زنان نیز نیازمند راهکارها، ابتکارات و تدابیری است فراتر از آنچه که تاکنون ارائه شده‌اند (مولاوردی، ۱۳۹۳: خ-ح).

خشونت علیه زنان که زمانی نه چندان دور و ازجمله در کنفرانسی تخصصی در حوزه مسائل زنان یعنی کنفرانس ۱۹۷۵ مکزیکوسیتی توجه شایسته‌ای دریافت نمی‌کرد، با گذشت زمان در کانون توجهات بین‌المللی قرار گرفت و ازجمله اینکه در کنفرانس ۱۹۹۳ حقوق بشر در وین، ضمن شناسایی حقوق زنان به‌عنوان حق‌هایی بشری برای نخستین‌بار، خشونت علیه زنان نقض حقوق بشر به‌شمار رفت. این روند کماکان ادامه پیدا کرد و اهمیت و جایگاه و خطر خشونت علیه بانوان برای جامعه بین‌المللی به‌قدری بالا رفت که حمایت از زنان در برابر خشونت زمره بنیان‌های اصلی جامعه بین‌المللی قرار گرفت و در

چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری به‌سان شاخه حقوقی پاسدار بنیان‌ها و ارزش‌های اساسی شکل‌دهنده جامعه بین‌المللی، خشونت علیه زنان با تحقق شرایط لازم، در قامت شدیدترین جنایات بین‌المللی یعنی نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی قابل‌بررسی و پیگیری است. از جمله، روند تکامل در مقابله با بی‌کیفرمانی خشونت علیه زنان تا جایی پیش رفته است که شعب فوق‌العاده افریقایی به‌عنوان تازه‌ترین محکمه از مجموعه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، اساساً یکی از رسالت‌های تکوین و تأسیس خود را مقابله با بی‌کیفرمانی جنایت علیه زنان در چاد بیان کرده است (قدیر و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۵). به باور پژوهشگران، با وجود عدم شناسایی خشونت جنسی به‌عنوان عنصر مادی جرم‌الجرائم نسل‌زدایی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸) و کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌زدایی (۱۹۴۸) و عدم احتساب آن به‌عنوان عنصر مادی نسل‌زدایی تا پیش از محاکمات دادگاه‌های بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا، تحلیل ماهیت واقعی خشونت جنسی نشان می‌دهد که این رفتار می‌تواند عنصر مادی جنایت نسل‌زدایی را تشکیل دهد (خالقی و برزگر، ۱۳۹۹: ۷).

بی‌گمان زنان در مقایسه با مردان، انسان درجه دوم به‌شمار نمی‌روند، بلکه شایسته رفتار برابر و توأم با احترام هستند. با نگاهی به وضعیت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جوامع متمدن دنیا تنوع رفتار کشورها در حقوق بشر زنان در میزان توسعه پایدار آن‌ها مشخص می‌شود. سازمان ملل متحد جنبش فوق‌العاده‌ای را در ارتقای حقوق بشر آغاز کرد و اعلامیه هزاره ملل متحد بازتابی جدید از آرمان‌های حقوق بشری منشور سازمان ملل و دیگر اسناد بین‌المللی است. جهان امروز حق بی‌اعتنا ماندن نسبت به حقوق و وضعیت زنان را ندارد و سازمان ملل نمی‌تواند و نباید از توجه و پافشاری بر اعمال حقوق حقوق بشر در سراسر جهان غافل بماند و سرلوحه این توجهات رعایت حقوق مسلم و بدیهی زنان و همسران و مادران جهان است. همان‌افق درخشانی که بشریت امروز در تلاش برای رسیدن به آن است (موثقی، ۱۳۹۲: ۱۴۳-۱۴۲) و امید می‌رود این رؤیا جامه واقعیت به تن بپوشد. اگرچه آمال و برنامه‌های مطرح در کنفرانس‌های جهانی ملل متحد در زمینه مسائل زنان به میزان زیادی محقق نشده و کماکان خشونت

علیه زنان در سطوح گوناگون یکی از چالش‌ها و معضلات اصلی فراروی توسعه و پیشرفت و امنیت در عرصه‌های داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی است و بیم‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد، ولی روند تکاملی و پیشروانه جامعه بین‌المللی به‌ویژه در چارچوب سازمان ملل متحد در قبال این پدیده شوم، چراغ امیدها را روشن نگاه می‌دارد و ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که می‌توان به پیشروی نوع بشر به سوی شناسایی و اجرای حقوق بشر زنان و پاسداشت منزلت و مرتبت برابر انسانی زنان و مردان در جهانی عاری از خشونت علیه بانوان امیدوار بود.

نتیجه‌گیری

خشونت علیه زنان، قدمتی به درازای تاریخ انسان دارد و انواع و اقسام آن، امروزه یکی از موانع و چالش‌های اصلی توسعه، پیشرفت، امنیت و صلح در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌شمار می‌رود. نظر به اهمیت این پدیده دهشتناک، در عرصه‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی اقدام‌هایی از جمله تصویب و انعقاد قوانین و اسناد و برپایی کنفرانس‌ها و نشست‌ها و تعیین و تدوین اهداف و آمال و برنامه‌ها به‌منظور پیشگیری و پیکار با خشونت علیه بانوان انجام گرفته است. در این میان، کنفرانس‌های جهانی ملل متحد در زمینه مسائل زنان از میانه دهه هشتاد میلادی به این‌سو، هم نمایانگر اهتمام ویژه جامعه بین‌المللی به حقوق و جایگاه زنان و اهمیت آن برای جهانی بهترند و هم بستری برای تقویت وضعیت و ارتقای حقوق بشری بانوان به‌شمار می‌روند. اسناد این کنفرانس‌ها، با وجود ماهیت غیرالزام‌آور خود از لحاظ فن حقوقی، تجلی‌گاه اتفاق نظر بین‌المللی در زمینه موضوعات مورد بحث خود و دست‌کم در کلیات آن‌ها، هستند. سازمان‌دهنده اولیه این کنفرانس‌ها، کمیسیون مقام زن بوده است. این کمیسیون، افزون بر دیگر فعالیت‌های خود در چارچوب رسالت خویش یعنی برابری جنسیتی و پیشرفت زنان، به سازماندهی کنفرانس‌های جهانی زنان دست زده است که تاکنون چهار کنفرانس جهانی به‌ترتیب در سال‌های ۱۹۷۵ (مکزیکوسیتی)، ۱۹۸۰ (کپنهاک)، ۱۹۸۵ (نایروبی) و ۱۹۹۵ (پکن) برآیند آن بوده‌اند. این

کنفرانس‌ها، محفل و محفلی برای مباحثه سیاست‌گذاران و دیگر طرف‌های ذی‌نفع در مسائل زنان راجع به چالش‌های جاری، تعیین اهداف و طراحی برنامه‌های اقدام و بررسی پیشرفت‌های حاصل شده در اجرای کنفرانس‌های پیشین فراهم آورده‌اند. در سیری تاریخی از زمان پاگیری سازمان ملل متحد تا روزگار کنونی، خشونت علیه زنان در ساحت جامعه بین‌المللی به‌گونه‌ای فزاینده مورد توجه قرار می‌گیرد و از چشم‌اندازهای گوناگون حقوقی به آن پرداخته می‌شود. از کنفرانس ۱۹۹۳ حقوق بشر وین به این سو، حقوق زنان به‌عنوان حق‌هایی بشری به رسمیت شناخته شدند و خشونت علیه زنان، در جهان کنونی نقض حقوق بشر به‌شمار می‌رود. افزون بر این، اهمیت خشونت علیه زنان در قاموس حقوق بین‌الملل کنونی به‌شکلی است که در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری، خشونت علیه زنان و به‌ویژه خشونت جنسی، با تحقق شرایط لازم، ممکن است در قالب شنیع‌ترین جنایات بین‌المللی نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی قرار گیرند و مرتکبان آن‌ها محاکمه شده و به سزا رسانده شوند. روندی که، به‌رغم بیم‌های بسیاری که کماکان در زمینه پیشگیری و پیکار با خشونت علیه زنان در سطح سازمان ملل متحد و درون کشورها وجود دارند، بیانگر بایستگی امیدواری به پیش‌روی نوع بشر به‌سوی شناسایی و اجرای حقوق بشر زنان و پاسداشت منزلت و مرتبت برابر انسانی زنان و مردان در جهانی عاری از خشونت علیه بانوان است.

منابع

- احسان پور، سید رضا (۱۳۸۸). *مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ایدز*. تهران: اندیشه عصر.
- خالقی، علی و برزگر، محمدرضا (۱۳۹۹). «خشونت جنسی علیه زنان ایزدی به مثابه نسل زدایی با تأکید بر رأی دادگاه بین‌المللی رواندا در پرونده آکایسو». *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۱۶: ۳۱-۷.
- رستمی، سارا و فیروزگاه، زری (۱۳۹۹). «زنان و صلح جهانی با تأکید بر صلح‌با بان زن سازمان ملل متحد و جامعه زنان ایرانی». *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۳(۱): ۲۴۲-۲۰۹.
- رواسیان کاشی، سمیه (۱۳۸۸). *فصل مشترک تبعیض‌ها؛ بررسی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان*. تهران: نشر شیرازه.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۳). «اعلامیه جهانی حقوق بشر: سیمرغ بلورین حقوق بین‌الملل». *مهرنامه*، ۳۹: ۹۶-۹۷.
- سازمان ملل متحد (۱۳۸۴). *حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد*. مترجم: علی ایثاری کسمایی، تهران: ایثاری.
- سیفی، آناهیتا (۱۳۹۹). «مثلث زنان، صلح و امنیت در افغانستان از دیدگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد». *پژوهش حقوق عمومی*، ۲۱(۶۶): ۳۴۳-۳۸۰.
- شیخی، محمدباقر (۱۳۸۹). «نظری بر جایگاه حقوقی "شورای حقوق بشر" ملل متحد». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۰(۱): ۱۳۹-۱۵۷.
- صبوری، ضیاءالدین؛ نصیرپور، ساناز و حمیدیان شورمستی، مرضیه (۱۳۹۱). «چالش‌های نهاد زنان ملل متحد در ایجاد صلح پایدار». *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۵(۱): ۱۹۲-۱۶۵.

- طیبی، ثریا؛ خوش خطی، مهدی و جعفری، فرشید (۱۳۹۷). «نظریه فمینیسم و اثرگذاری آن بر اقدامات ملل متحد در حمایت از حقوق زنان». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۴(۴۵): ۱۲۳-۱۵۱.
- فضائلی، مصطفی و کرمی، موسی (۱۳۹۸). «تأملی بر نقش دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در تحول و توسعه نظام بین‌المللی حمایت از حقوق اقلیت‌ها». تحقیقات حقوقی، ۳۲(۳): ۱۷۹-۲۰۲.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۳). حقوق بین‌الملل معاهدات. چ دوم، تهران: فرهنگ نشر نو.
- قدیر، محسن، مهدوی، زهرا و ستایش‌پور، محمد (۱۳۹۷). «حمایت از زنان در مقابل خشونت جنسی (واکاوی اسناد نسل‌های چهارگانه محاکم بین‌المللی کیفری)». فقه و حقوق خانواده، ۲۳(۶۹): ۵-۳۰.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۲). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موثقی، حسن (۱۳۹۲). «چشم‌انداز حقوق زنان از نگاه سازمان ملل متحد». زن و خانواده، ۶(۲۲): ۱۴۶-۱۳۵.
- مولوردی، شهین (۱۳۹۳). موازین بین‌المللی حقوق زنان: کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها، قطعنامه‌ها، پروتکل‌ها، اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، توصیه‌نامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها و اسناد مصوب کنفرانس‌های جهانی و اجلاس‌های ویژه. چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۶). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. چاپ دوم، تهران: اطلاعات.

(ب) منابع انگلیسی

- Dainow, Joseph (1967). "The civil law and common law: some points of comparison". *the American journal of comparative law*, vol 15, no 3.

- Akani, Eze Chris (2020). "The United Nations (UN) and Human Rights: Challenges and Prospects", *African Journal of Political Science and International Relations*, 14(3): 91-102.
- Farhat, Louna (2016). *Women During Armed Conflicts: An Overview Study on the Possible Methods to Prevent Conflict-Related Sexual Violence*. Paper presented at Conference on Women and Society, conference organized by Royal University for Women, Bahrain: 69-93.
- Gimenez Armentia, Pilar; de la Calle Maldonado, Carmen & González Iglesias, Sonia (2018), "The Progress of the United Nations in Empowerment and Equality for Women", in: *Sonyel Oflazoglu (ed.)*, Marketing, 1st edition (IntechOpen): 79-93.
- Guerra Lund, Rafael; Manica, Scheila and Manica, Giselle (2020), "Collateral Issues in Times of Covid-19: Child Abuse, Domestic Violence and Femicide", *Revista de Odontologia Legal*, 7(2): 54-69 .
- García-Moreno C, Pallitto C, Devries K, Stöckl H, Watts C, Abrahams N. (2013). "Global and Regional Estimates of Violence against Women: Prevalence and Health Effects of Intimate Partner Violence and Non-Partner Sexual Violence", *World Health Organization*: 2 & 29.
- Priddy, Alice (2014). *The Situation of Women's Rights 20 Years after the Vienna World Conference on Human Rights*. 1st published, Geneva: Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights.
- Qureshi, Shazia (January-June 2013). "The Recognition of Violence against Women as a Violation of Human Rights in the United Nations System". *Journal of South Asian Studies*, 28(1): 187-198.
- Roberts, Barbara (Spring 1996). "The Beijing Fourth World Conference on Women", *The Canadian Journal of Sociology/Cahiers canadiens de sociologie*, 21(2): 237-244.
- Sandis, Eva A (2006). "United Nations Measures to Stop Violence against Women". *Annals of the New York Academy of Sciences*, 1087(1): 370-383.
- Sharifi, Farangis; Larki, Mona and Latifnejad Roudsari, Robab (July 2020). "Covid-19 Outbreak as Threat of Violence against Women". *Journal of Midwifery and Reproductive Health*, 8(3): 2376-2379
- The Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces (2005). *Women in an Insecure World; Violence against Women, Facts, Figures and Analysis*. (Edited by: Marie Vlachova and Lea BIASON), 1st published, Geneva: Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces.

- UN Copenhagen (July 14-30 July 1980). Report of the World Conference of the United Nations Decade for Women: Equality, Development and Peace. Second World Conference on Women, UN Doc A/CONF.94/35; full report available at: <http://www.un.org/womenwatch/daw/beijing/copenhagen.htm>.
- UN (July 15-26, 1985). Report of the World Conference to Review and Appraise the Achievements of the United Nations Decade for Women: Equality, Development and Peace. Third World Conference on Women, Nairobi, UN Doc A/CONF.116/28/Rev.1; full report available at: <http://www.un.org/womenwatch/daw/beijing/nairobi.html>.
- UN (Sept. 4-15, 1995). Report of the Fourth World Conference on Women. Fourth World Conference on Women, Beijing. UN Doc A/CONF.177/20/Rev.1; full report available at <http://www.un.org/womenwatch/daw/beijing>.
- UN Economic and Social Council (ECOSOC) (30 May 1991). UN Economic and Social Council Resolution 1991/23: Refugee and Displaced Women and Children. E/RES/1991/23, available at: <https://www.refworld.org/docid/3ae69eee14.html> .
- UN General Assembly (7 November 1967). Declaration on the Elimination of Discrimination against Women. A/RES/2263(XXII).
- UN General Assembly (18 December 1979). Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women.
- UN General Assembly (13 December 1985). Implementation of the Nairobi Forward-looking Strategies for the Advancement of Women: Resolution Adopted by the General Assembly. A/RES/40/108.
- UN General Assembly (12 July 1993). Vienna Declaration and Programme of Action, A/CONF.157/23.
- UN General Assembly (20 December 1993). Declaration on the Elimination of Violence against Women. A/RES/48/104.
- UN General Assembly (7 February 2000). Resolution Adopted by the General Assembly [on the report of the Third Committee (A/54/598 and Corr. 1 and 2)] 54/134. International Day for the Elimination of Violence against Women, A/RES/54/134.
- UN Special Rapporteur on Violence Against Women; Its Causes and Consequences and Office of the High Commissioner for Human Rights (2020). 25 Years in Review of the Beijing Platform for Action. Available at: ohchr.org/Documents/Issues/Women/SR/Booklet_BPA.pdf .
- Williams, Lucy and Walklate, Sandra (2020). "Policy Responses to Domestic Violence, the Criminalisation Thesis and 'Learning from History'". *The Howard Journal of Crime and Justice*, 59(3): 305-316.

Journal Of Legal Thought

- Position of Precedent Rule on England law and its feasibility in Islamic and Iranian law

Sayyed Hossein Asadi

- A Review of the Prohibition of Violence against Women in the UN World Conferences regarding Women Issues: The Narration of Fears and Hopes

Mousa Karami, Ali Mashhadi, Ehsan Shakibnezhad

- The rules of the division of responsibilities between perpetrators of loss in Islamic law & the legal system of Iran

Khosro Hoseinpour

- Export control regimes for Dual Use items: an effective tool to advance the US sanctions program

Gholamnabi fayzi ckakab, Mohammad Chalabi

- The effect of disbelief and murder in a will for the testator and the possibility of relying on analogy in deriving its sentence

Zahra Sadat Mirhashemi, Farinaz Sadat Khatibi Qomi

- Investigating the interaction of Islamic law and sources with the Iranian criminal law system in the light of the rule of law

Seyyed Sajjad Razaghi Mousavi



Volume 2, Issue 7
Winter.2022



Journal Of Legal
Thought